

توسعه کارکرد وحدت فرماندهی در مدیریت ایستگاه‌های ایست و بازرسی ناجا در رفع بحران‌های انتظامی (مخل نظم اجتماعی)

مجید عطائی^۱، مجید احمدی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۲/۲۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۰/۱۲

چکیده

در راستای انتشار یافته‌های نوین پژوهشی و نظریات امنیتی انتظامی، در این مقاله توصیفی، اهتمام به وحدت فرماندهی در قالب یک یگان بالادستی در ناجا به منظور اجرای ماموریت‌های ایست و بازرسی در زمان بحران‌های انتظامی مورد توجه قرار گرفته است. پس از برشمردن تاریخچه‌ای مختصر از روند شکل‌گیری این ایستگاه‌ها، شانزده مورد از اهم معایب روش کنونی برگزاری ایستگاه‌ها در کنار محاسن وحدت فرماندهی برشمرده شده است که برای دستیابی به این مقصود، نگارنده در چهارچوب یازده گانه‌ای، اهم موارد پیشنهادی برای نیل به این مهم را پس از بررسی عینی روند کنونی ارائه نموده است و در انتها نویسنده توان ایجاد آمیج‌های سرزمینی را در جهت جابه‌جایی و ایجاد تغییرات اجرایی در زمینه‌ی برگزاری ایستگاه‌های ایست و بازرسی با اولویت طرح در شورای عالی امنیت ملی بسیار حیاتی برشمرده و تأسیس یگان فرماندهی ایست و بازرسی در کشور را استنتاج می‌نماید.

واژگان کلیدی: ایست و بازرسی، وحدت فرماندهی، بحران انتظامی، آمیج سرزمینی.

۱. کارشناس ارشد مدیریت بحران دانشگاه علوم انتظامی امین (نویسنده مسؤل) dt.hamedan@police.ir

۲. کارشناس ارشد زبان انگلیسی دانشگاه علوم انتظامی امین

مقدمه

پژوهش‌ها در مورد ایستگاه‌های ایست و بازرسی در ایران، متأسفانه ما را در دستیابی به تعریفی جامع و مانع یاری نمی‌کند. برای نیل به این مقصود، مقایسه‌ی این امر خطیر با مفاهیمی که دیگر کشورهای جهان ارائه می‌کنند، تنها به پیچیده‌تر شدن این امر کمک می‌کند. در کل، در بیشتر منابع موجود تعریفی که علی گل محمد خامنه (۱۳۸۵) از ایست و بازرسی آورده است در این مقال مورد استناد واقع شده است. "مامورین نیروی انتظامی به منظور برقراری نظم و امنیت، شناسایی و دستگیری متهمان، کشف قاچاق، اشیاء ممنوعه، جلوگیری از جرائم و کنترل محدوده‌ی سرزمینی یگان مربوطه، در مکان‌ها و زمان‌های مختلف، وسایل نقلیه مردم را متوقف کرده و سرنشینان آنان را در چهارچوب قانون، بازرسی و تفتیش می‌نمایند". همان‌طور که از متن بالا استفاده می‌شود، اهم اهداف و موقعیت‌های یک ایستگاه ایست و بازرسی را به جای تعریف عملی آن مورد تاکید قرار گرفته است. به دلیل وجود تمایزهای ایدئولوژیک میان ساختارهای حکومتی کشور ما و دیگر کشورها ایجاب یک مقایسه تطبیقی عملاً جایی از اعراب نداشته و تنها به تقویت برداشت نظری ما از این امر یاری می‌رساند. برای نمونه، برداشت اغلب کشورهای اروپایی از ایست و بازرسی بیشتر فرایندی نظامی و شبه نظامی می‌باشد؛ ولی در محدوده‌ی سرزمینی ما به دلیل وجود آشوب‌های منطقه‌ای و فقر اقتصادی، اولویت اول سران نظام حفظ امنیت مردم توسط واری احتمالات می‌باشد. اگر به تعریف بالا رجوع کنیم (برقراری نظم و امنیت، شناسایی و دستگیری متهمان، کشف قاچاق، اشیاء ممنوعه) و آن را با انواع ایست و بازرسی و تعاریف آنها در کشورهای غربی تطبیق دهیم (ایست و بازرسی‌های: ۱- امنیتی، ۲- مرزی، ۳- جاده‌ای، ۴- مقطعی و ۵- گزینشی) متوجه وجود یک پیچیدگی ماهوی در ساختار اجرایی آن در ایران می‌شویم. از طرفی، این

امر محتمل است که وجود بازخورد منفی در جامعه (به دلیل هدر رفت زمانی اغلب شهروندان عادی) نتواند در کنار وجود امنیت پایدار به عنوان معلول همین پدیده در اذهان عمومی به خوبی ادراک شود؛ از طرفی دیگر، مدیریت کلان در سرزمین ما اقتضا می‌کند که وحدت فرماندهی ایست و بازرسی‌ها را با رویکردی کارکردگرایانه مورد پرسمان قرار دهیم. تشکیل و تکامل نهادهای متعدد در برقراری نظم و امنیت اجتماعی در ایران مبنای وجود از هم‌گسستگی اجرایی و به تبع آن همپوشانی منطقه‌ای گشته است؛ که با کاهش بازدهی عملی، نیاز به تاکید بر افزایش بهره‌وری را توسط وحدت فرماندهی ایجاب می‌کند. اهتمام به وحدت‌رویه فرماندهی آنجا ارزش خود را نشان می‌دهد که موارد از هم‌گسسته‌ی قاچاق و دستگیری متهمان جای خود را به تشکیلات منسجم اغتشاشات می‌دهد که اختلال در نظم اجتماعی را هدفگذاری کرده‌اند. از همین روی، در این مقاله برآنیم تا به واکاوی ابعاد اجرایی این امر بپردازیم.

پیشینه تحقیق

در ایران پس از انقلاب مقدس اسلامی، نبود ساختار مرکزی قدرتمند، نیروهای انقلابی و مردمی را بر آن داشت تا با مبنا قرار دادن غیرت دینی و انسانی خود، حفظ و حراست از ارکان نظام نوپای اسلامی را با توسل به روش‌های مقطعی چون برقراری ایستگاه‌های ایست و بازرسی در محک اجرا قرار دهند. وجود عناصر خود فروخته و وابسته به بیگانگان که گوهر انقلاب را هدفی در دسترس می‌پنداشتند، در کنار برنامه‌ریزی کلان استعمار پیر برای مواجهه با گسترش اندیشه‌های انسان‌ساز انقلاب، تا مقطعی ما را درگیر مبارزات عدیده‌ای نمود که واریسی خطرهای احتمالی درون مرزها و جاده‌ها از جمله آنها می‌باشد. در این باب می‌توان از نهادهایی چند مانند، بسیج مستضعفین، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، کمیته‌های مردمی نام برد که بعدها (در سال ۱۳۷۰) با ترکیب سازمان‌های شهربانی، ژاندارمری، کمیته انقلاب اسلامی، نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران (ناجا) تشکیل می‌شود. در حال حاضر

مجموعه‌ی ایستگاه‌های ایست و بازرسی ناجا با ماموریت‌های مختلف در محل‌های از پیش تعیین شده مستقر و بر مبنای وظایف محوله، زیر نظر رده‌های مختلف ناجا مشغول انجام امورات می‌باشند.

تنوع این مأموریت‌ها از جمله مبارزه با قاچاق کالا، انسان، مواد مخدر، سوخت و مقابله با مسائل امنیتی می‌باشد؛ و مدیریت‌های متفاوت باعث گردیده که این یگان‌ها در اجرای ماموریت از انسجام لازم برخوردار نبوده و هر یک در جزیره‌ی خود اقدام نمایند، به نحوی که به جرأت می‌توان گفت که هیچگونه ارتباطی بین آنها وجود نداشته و کمترین هماهنگی در کنترل جرائم به ویژه بحران‌های انتظامی و اجتماعی در سطح کلان و خرد ایجاد نمی‌گردد. در نتیجه، می‌توان گفت، ما همواره نیاز وجود یک فرماندهی واحد و وحدت رویه عملگرا را در خویش احساس نموده‌ایم. تجربیات تلخی چون بعضی از انتخابات گذشته، بیش از پیش، ضرورت حفظ نظم اجتماعی را همگام با پیشگیری از وجود بحران‌های انتظامی به ما آموخته است.

معایب وضعیت موجود

چه بسیار ایستگاه‌هایی که فقط بر روی یک وظیفه تمرکز نموده و با دیگر موارد پیش‌رو درگیر نمی‌شوند؛ این گونه از ایستگاه‌ها در هنگامه‌ی بحران‌های انتظامی نقش مؤثری را ایفا نموده و توان اجرایی فرماندهان را کاهش می‌دهند. این دست ایستگاه‌های ایست و بازرسی به طور عام، تحت کنترل فرماندهی استان‌ها قرار دارند که در امر جابه‌جایی و امکانات آنها کاملاً سلیقه‌ای عمل نموده و دارای یک استاندارد عملی برای اجرای ماموریت‌های خویش نمی‌باشند.

ناکارآمدی رویه کنونی در برگزاری ایستگاه‌های ایست و بازرسی خود پژوهشی جداگانه طلب می‌کند؛ ولی برای واکاوی عمق مشکلات پیش‌رو که منجر به ارائه‌ی این نوشتار شده است مواردی چند از مهم‌ترین دلایل معیوب بودن وضعیت موجود را در پی برمی‌شمیریم.

- ۱- نامناسب بودن محل‌های ایستگاه‌های ایست و بازرسی:
 - الف) عبور از محل‌های فرعی اطراف ایستگاه‌های ایست و بازرسی.
 - ب) احداث جاده‌های جدید و عدم تردد خودروها از محورهای قبلی.
 - ج) گسترش بافت شهری و قرار گرفتن ایستگاه‌های ایست و بازرسی در داخل شهرها و ایجاد محورها و جاده‌های جدید و تغییر مسیر تردد خودروها.
- ۲- کمبود نیروی انسانی (مرد و زن) و به تبع آن:
 - الف) عدم امکان راه‌اندازی بازرسی دو طرفه در محورهای آلوده.
 - ب) خستگی و کاهش دقت کارکنان و طولانی شدن مدت شیفت خدمتی.
 - ج) عدم امکان بازرسی بانوان در ایستگاه‌های فاقد کارکنان زن.
- ۳- ضعف اشراف اطلاعاتی فرماندهان و مسئولان ایستگاه‌های ایست و بازرسی از اقدام‌های قاچاقچیان به ویژه در جرائم سازمان‌یافته.
- ۴- نبود برآوردهای مورد نیاز و اجرای مأموریت به روش سنتی و شیوه‌های شناخته شده.
- ۵- محدودیت‌های قانونی در انجام بازرسی از خودروها و شهروندان، مخصوصاً در ایستگاه‌های سیار و موقت و عدم پشتیبانی دستگاه قضایی از کارکنان.
- ۶- نارضایتی مردم از طولانی شدن بازرسی‌ها، ایجاد خسارت به اموال مورد بازرسی و انعکاس به مقامات مربوطه.
- ۷- فقدان و کمبود و فرسودگی امکانات و تجهیزات.
- ۸- حجم بالای ترافیکی در برخی محورها.
- ۹- مدرن شدن جرائم سازمان یافته و استفاده از جاسازی‌های نوین.
- ۱۰- استفاده از کارکنان غیرمتعهد.
- ۱۱- عدم آشنایی کارکنان با قانون به کارگیری سلاح، آخرین شیوه و شگردهای جاسازی مواد مخدر و کالاهای قاچاق، اسناد گمرکی، مجوزهای ترخیص، بارنامه.

۱۲- بعد مسافت ایستگاه‌های ایست و بازرسی از سلسله مراتب فرماندهی، مراجع قضایی، گمرک، شرکت دخانیات و... و فقدان وسیله نقلیه جهت تردد کارکنان، تحویل متهمین تحت نظر و کالاهای مکشوفه به مبادی مربوطه.

۱۳- لزوم اخذ دستور قضایی نوبه‌ای (روزانه، ماهانه، فصلی) در ایستگاه‌های ایست و بازرسی غیرمصوب، موقت و سیار.

۱۴- تغییر تاکتیک قاچاقچیان در به کارگیری روش‌های متفاوت.

۱۵- اشرافیت ساکنان محل به موقعیت جغرافیایی و محورهای ایستگاه‌های بازرسی و همکاری آنان با قاچاقچیان در انتقال کالاهای ممنوعه و قاچاق.

۱۶- طمع‌ورزی کارکنان و فراهم بودن بستر رشوه و تبانی به علت پیشنهادات و سوسه برانگیز قاچاقچیان و مبالغ کلان رشوه در مقایسه با حقوق و مزایای سازمانی.

محاسن وحدت فرماندهی در ایستگاه‌های ایست و بازرسی درهنگام بحران در یک بحران طبق تعریف، یک رویداد یا پیش آمد به صورت ناگهانی و گاهی طی یک فرایند رخ می‌دهد و وضعیتی خطرناک و ناپایدار برای یک فرد یا یک جامعه یا یک گروه یا دولت ایجاد می‌کند. به عبارتی دیگر، بحران باعث بروز شرایطی می‌شود که برای برطرف کردن آن نیاز به اقدامات اساسی و فوق العاده می‌باشد.

برای مطالعه‌ی بحران، نیاز به شناخت ویژگی‌های آن برای ایجاد توان توصیفی دقیق کاملاً ضروری به نظر می‌رسد. اگرچه برای پدیده‌ای پیچیده به نام بحران ویژگی‌های متنوعی برحسب نوع، زمان و مکان بروز آن می‌توان برشمرد، ولی من باب پیروی از چهارچوب فکری این نوشتار، سعی ما بر گسترش مفاهیم مرتبط با عنوان مقاله می‌باشد. از این‌روست که ویژگی‌های بحران‌های انتظامی در دنباله شرح و بسط می‌دهیم.

همان‌طور که در بالا ذکر شد، ویژگی نابهنگامی یک بحران منجر به ایجاد موجی از واکنش‌های رفتاری در زمینه مدیریت بحران‌ها می‌شود؛ از همین‌روست که اهمیت

و جوب آمادگی مواجهه با آن در زمان و مکان‌های مختلف از اولویت‌های هدف‌گذاری این نوشتار گشته است. ویژگی بعدی مورد اشاره ناپایداری یک وضعیت اضطراری است که شناسایی حدود شرایط عادی، بحران و در آخر هم یک فاجعه را مورد تأکید قرار می‌دهد. در شرایط بهینه، هنگامی که فرماندهی انتظامی هر استان با مدیریت یک بحران ناپایدار مواجه می‌شود، می‌بایست شناخت راهکارهای بازگشت به شرایط عادی را در ذهن داشته باشد. در ادامه مهم است ذکر شود که هیچ وقت بحران‌ها برای نیروهای انتظامی دقیقاً یکسان نیستند؛ به عبارت دیگر هر بحرانی بالذات پویا بوده و در حال دگرگونی آنی می‌باشد.

تخصیص یک بحران انتظامی به ابعاد دقیق‌تر برای پژوهش در دست، فرایند این نوشتار را به سمت بکارگیری یک روش کنترلی شناخته شده به نام برگذاری ایستگاه‌های ایست و بازرسی می‌کشاند، تا در پرتو این مهم به واکاوی تأثیرات آن بر هنگامه‌ی بروز بحران پردازیم.

ایستگاه‌های ایست و بازرسی با مد نظر قرار دادن اهداف گوناگون و توسط یگان‌های متفاوت سازماندهی می‌شوند که از جمله آنها مبارزه با مواد مخدر، قاچاق و سرقت و همچنین تامین امنیت بوده که شاکله‌ی هر ایستگاه را تشکیل می‌دهد. اگرچه هر کدام از این ایستگاه‌ها دارای مدیریت مجزا می‌باشند ولی می‌بایست تحت نظر یک فرماندهی در راستای وحدت عمل گام برداشته و از تفرق جلوگیری کنند. مهم‌ترین ثمر این وحدت فرماندهی در برگذاری ایستگاه‌های ایست و بازرسی را می‌توان خارج از عملکرد روزمره و در قالب شرایط اضطرار درک نمود. در هنگامه‌ی بحران‌های انتظامی که نظم اجتماعی در معرض چالش قرار می‌گیرد، یک فرمانده می‌تواند از کلیه‌ی ظرفیت‌های خویش استفاده نموده و از تسری بحران‌ها جلوگیری کند. برای تعمیق درک خویش نمونه تجربی حادثه زلزله بم را در نظر می‌گیریم که در آن، به علت نبود وحدت فرماندهی در برگزاری چنین ایستگاه‌هایی و با وجود همراهی اکثر

یگان‌های نظامی، انتظامی و امدادی در کشور، ما شاهد بروز انواع جرائم به ویژه سرقت بودیم.

از جمله دیگر محاسن اتخاذ این رویه عملی می‌توان به افزایش توان اجرایی فرماندهان در زمان اعلام وضعیت مهار در منطقه‌ای خاص اشاره کرد؛ که در آن هنگام خبر ورود محموله‌های مواد مخدر، کالاهای قاچاق و یا مجرمان تحت تعقیب واصل شده است و ارزیابی اولیه حاکی از صحت خبر است و فرماندهی واحد ایستگاه‌های ایست و بازرسی پیشنهاد شده در این نوشتار می‌تواند ارزش ذاتی خود را به رخ بکشد.

حسن دیگر این رویه‌ی اجرایی را می‌توان از دیدگاه کاهش بوروکراسی اداری واکاوی نمود؛ زیرا مبحث عدم جلوگیری از گسترش ساختار سازمانی را می‌توان در چهارچوبی جدید مدیریت و نظارت نمود؛ و این امر در حالی است که تمامی یگان‌های متفرق موجود تنها توسط یک یگان بالا دستی عملیاتی، تشویق و یا در صورت لزوم تنبیه خواهند شد. برای درک بهتر این مهم می‌بایست تعریفی از سازمان را در این نوشتار مبنا قرار دهیم. سازمان عبارتست از ساختاری از روابط قدرت، نقش‌ها، فعالیت‌ها، ارتباطات و عوامل دیگر بین افرادی که با یکدیگر به صورت گروهی کار می‌کنند (هیکس، گولت، ۱۳۶۸: ۱۲۰).

اهم رویکردهای پیشنهادی:

پس از گذار از دوران سیاست‌های واکنش و تدبیر در زمینه‌های بروز بحران‌های پیچیده انتظامی در گذشته، اکنون زمان آن رسیده است که با تدبیر در پژوهش‌های امنیتی راهکارهای پیشگیری از چنین وقایعی را به جمع‌بندی رسانده و قبل از بروز مشکلات، مقتدرانه رویکردهای خویش را مشخص نماییم.

در جهت تعمیق ادراک کارکردگرایانه‌ی خود از چیستی و چگونگی وحدت فرماندهی در ایستگاه‌های ایست و بازرسی در هنگامه‌ی بروز اختلالات در نظم اجتماعی، با

اتخاذ دیدگاهی کلان و زبانی انتقادی، بدین وسیله موارد ذیل را ضمن برشمردن تشریح نموده و به توانش ایجاد تغییراتی مفید و پایدار امیدواریم.

۱- نبود تعریفی جامع از ایستگاه‌های ایست و بازرسی

پیرو مطالب بیان شده در مقدمه این پژوهش، در اینجا به بیان اهمیت و جایگاه تعریف زبان‌شناختی "ایستگاه ایست و بازرسی" می‌پردازیم و نقش ماهوی آن را در چالش‌های پیش رو شرح می‌دهیم. ایست و بازرسی مانند هر پدیده‌ی دیگری مستلزم تعریفی جامع (که پوشاننده‌ی ابعاد وجودی آن) و مانع (نبود ابعاد پنهان از دید) می‌باشد؛ زیرا برداشتن گام‌های بعدی بر دسترسی به این تعریف متوقف است.

نظم عملی در کنار نظم معنایی می‌تواند به هر چه دقیق‌تر شدن ادراک ما بیانجامد. تنها به وسیله‌ی در اختیار داشتن تعریف دقیق، عینی و کاربردی از یک رفتار است که می‌توان آن را توصیف کرده، مقایسه نمود و در آخر مورد سنجش علمی قرار داد. در غیر این صورت، برداشت‌های فردی پایوران و فرماندهان به راحتی دچار تناقض ذاتی شده و ضمن کاهش کیفی عملکرد منجر به بروز اختلاف رفتاری می‌شود. در وهله‌ی اول می‌بایست بر اساس تجربیات و رویکردها شناخت خود از این پدیده رفتاری را یکسان نموده و بدانیم تمایز اهم از مهم در چه جایگاهی قرار دارد.

۲- پر کردن خلاءهای قانونی در این باب

تدوین طرحی پیشنهادی برای تدبیر و تصویب در مجلس شورای اسلامی توسط حقوقدانان برای قانونی نمودن اقدامات آتی ناجا در برقراری و یا عدم برقراری ایستگاه‌های ایست و بازرسی سیار و ثابت، می‌تواند از جمله اهم رویکردهای پیشنهادی ما در کاربردی نمودن و مدرن‌سازی این امر خطیر باشد.

آنچه که از قوانین استفاده می‌شود، علی‌الخصوص موارد ۲۰ و ۲۱ و ۲۲ ق. آ. د. ک بدین گونه است که ضابطین قضایی دادگستری تنها مکلف‌اند به تحقیق من باب اطلاعات و اخبار وقوع جرم طرفین، تفتیش و تفحص و استعلامات شفاهی و نظارت

مخفی؛ اگرچه رویه معمول در ناجا اتخاذ احکام از خود ضابطین قضایی و عمل به فرموده می‌باشد، ولی متأسفانه در مواردی محدود اعمال خودسرانه‌ای نیز ثبت گردیده است. استدلال چنین افرادی در اغلب موارد برپایه استناد به عبارت غیردقیق جرم مشهود می‌باشد که موضوع ماده ۲۳ ق. آ. د. ک (قانون آیین دادرسی کیفری) قرار گرفته است. زیرا تنها در هنگامه‌ی بروز جرم در صحنه و در هنگامه‌ی جرم قریب‌الوقوع است که پایوران بر مبنای عدم وجود زمان کافی برای اتمام سلسله مراحل اداری می‌توانند اقدام به واکنش آنی کرده، فرد خاطی را دستگیر کرده و سپس اقدام به بازرسی بدنی نمایند. این مهم زمانی پیچیده‌تر می‌شود که بدانیم قانونی من باب بازرسی خودرو نداشته و تنها شرافت کاری پایوران است که اتهام را به جان خریده و اقدام به مقابله و یا پیشگیری از جرم می‌نمایند؛ کشف خودروهای حامل سلاح در ایستگاه‌های ایست و بازرسی در انتخابات ۸۸ مصداق عینی چنین پدیده‌هایی می‌باشد.

۳- وجوب هدف‌گذاری مصداقی

طرح‌ریزی عملیاتی مأموریت‌های ایست و بازرسی در جهت نیل به نظم و امنیت پایدار، نمی‌تواند خارج از رویکردی نظام‌مند (واژه‌ی نظام در اینجا معادل سیستم انتخاب شده است. طبق گفته بعضی محققین از جمله جواهری‌زاده، جزینی، سرداری از سیستم تعاریف مختلفی وجود دارد، ولی کلیه تعاریف به اتفاق معتقدند که: سیستم مجموعه‌ای از اجزای به هم وابسته است که آن اجزا در راه نیل به هدف‌های معینی با هم هماهنگی دارند) و هدف‌گذاری‌های کوتاه و بلند مدت به وقوع بپیوندد. جلوگیری از عارضه‌ای چون رفتارهای واکنشی دیر هنگام، تنها با توسل به کنش‌های مدبرانه و بر مبنای اشراف اطلاعاتی ممکن می‌شود.

وجاهت قانونی اقدامات مدبرانه فرماندهی برای کنترل اغتشاشات و حفظ نظم اجتماعی مواردی کلان شمرده می‌شوند که گویای عمق پیچیدگی عملیاتی در بازه زمانی کوتاه حادثه‌ها نمی‌باشد. برای اکتساب اهم اهداف خویش در باب حفظ نظام

مقدس جمهوری اسلامی از فتنه‌های گزنده می‌بایست وجوب هدف‌گذاری مصداقی را سرلوحه قرار داده و دقیقاً خواسته‌های خویش را مدون، مرتب و اعمال کنیم؛ به عبارتی دیگر، تا به خودآگاهی نرسیده باشیم به ظرفیت کسب هدف نخواهیم رسید.

۴- گسترش ارتباطات و زیرساخت‌ها

لزوم توسعه‌ی ماموریت‌های پویا و کارآمد پس از آشوب‌های منطقه‌ای عملاً بر کسی پوشیده نیست؛ و تنها با معیار قرار دادن گسترش تجهیزات ارتباطی نوین و دسترسی به تجهیزات و ساز و برگ‌های انتظامی و نظامی به روز می‌توان از نیروهای خودی انتظار افزایش بهره‌وری داشت.

وجود امکان جابه‌جایی ایستگاه‌ها در بازه‌ی زمانی کوتاه‌مدت یک اختلال اجتماعی، در وهله‌ی اول محتاج به دسترسی به تجهیزات لجستیکی و تکنولوژی‌های ارتباطی می‌باشد؛ به صرف ادراک نیاز به برقراری یک ایستگاه نمی‌توان انتظار معقولی من باب حتمی بودن ایجاد آن داشت؛ زیرا تیم‌های سیار از افراد و تجهیزاتی تشکیل شده‌اند که هر دو در وجه مشترکی به نام نیاز به پشتیبانی آنی مشترکند. اجرای بهینه دستورات فرماندهان ناظر بر اجرای ماموریت می‌بایست به وسیله‌ی احصاء امکانات ضروری و در شرایطی هم امکانات اختصاصی باشد.

۵- تعریف اختیارات و وظایف سلسله مراتب فرماندهی

در یک ساختار جدید عملیاتی، نیروهای انتظامی می‌بایست بدرستی درک خود را از وضعیت موجود و انتظارات فرماندهان تقویت کنند؛ و این امر میسر نمی‌شود بجز با مد نظر قرار دادن بازتعریف حیطه‌ی اختیارات و وظایف سلسله مراتب فرماندهی؛ تا بدین وسیله امکان بازرسی از عملکرد خود نیروها نیز فراهم شود.

تسلسل اعمال اندیشه‌های فرماندهان تا حدود پایوران مجری فرامین در زمان بروز پدیده‌های اجتماعی سیاسی و یا بحران‌های انتظامی، می‌تواند بسیار دقیق بوده و از سطوح ارشد آغاز شده و تا سطح مجریان آن نزول کند. اکنون آنچه ما مشاهده

می‌کنیم، علاوه بر موارد فوق‌الذکر، اعمال نظر فرماندهان جزء و میانی برای پوشش‌دهی بحران‌های ناگهانی و منطقه‌ای می‌باشد. برخلاف رویه‌ی کنونی، در این نوشته اهمیت و جایگاه سلسله مراتب فرماندهی تا بالاترین سطوح و ایجاد توان مانور بر روی اهداف مورد تأکید قرار گرفته و مفروض انگاشته شده است که تعریف اختیارات یک پایور در مقام عمل از اضطرار بالایی برخوردار می‌باشد.

۶- برخط نمودن ایستگاه‌های ایست و بازرسی در کشور

آشوب‌های منطقه‌ای برای رسیدن به جزیره‌ی ثباتی به نام ایران می‌بایست از سد محکم سربازانی رد شوند که پویایی اجرای مأموریت‌های خود را تحت نظارت شبانه روزی فرماندهان به انجام می‌رسانند؛ بدین‌رو نیاز منطقی این فرماندهان برای اتخاذ تصمیم‌های فوری تنها در قالب برخط نمودن اجرای مأموریت‌ها در کشور ممکن می‌شود. گفتنی است وجود پوشش بصری مأموریت‌ها توسط فرماندهان با توسل به زیر ساخت‌های الکترونیکی و ماهواره‌ای دارای اهمیتی بیش از پیش می‌باشد.

کسب و اشراف اطلاعاتی فرماندهان در زمان وقوع بحران‌های انتظامی که در آن اختلال در نظم عموم جامعه مورد هدف‌گذاری قرار گرفته است، در قالب نظام اتوماسیون نامه‌نگاری امروزی تنها با استفاده از واژه‌هایی چون «ناکارآمد» و یا «دیر هنگام» توصیف می‌شود. در چنین شرایطی است که فرماندهان یگان‌های مختلف دست به اقداماتی بدون هماهنگی با مقامات بالاتر می‌زنند؛ برای مقابله با چنین آشوبی در نظام تصمیم‌گیری فرماندهان می‌توانند با استفاده از تجهیزات صوتی و بصری برخط، در هر لحظه ویژگی‌های محیطی را بررسی نموده، تحت پوشش قرار داده و به صورت آنی قواعد حاکم بر موقعیت را به چالش کشید و روند امور را به نحو احسن تغییر داد. این نیاز مبرم اگرچه در ظاهر هزینه‌بر به نظر می‌رسد، ولی، با در نظر گرفتن این امر که در نقطه‌ی مقابل نیز یک جمعیت اغتشاش‌گر با تجهیز خود به همین وسایل دارد روند امور را عوض می‌کند، می‌توان فهمید که چرا در بعضی از انتخابات

گذشته تصاویر تجمعات به صورت آنی برخط شده و در شبکه‌های اجتماعی انتشار داده می‌شدند.

۷- پرهیز از همپوشانی کاهنده و بروز رسانی ایستگاه‌ها

اگر نگوییم مهم‌ترین ولی از اهم مشکلات در ایستگاه‌های ایست و بازرسی وجود ایستگاه‌های غیرکارآمدی است که یا به طور ثابت منطقه‌ای نامناسب را پوشش می‌دهند و یا اینکه چندین نهاد مختلف همزمان در منطقه‌ای فعال و در مناطق بسیار دیگر غیرفعال می‌باشند؛ از این‌روست که نیاز به بروز رسانی این ایستگاه‌ها بر مبنای تغییراتی محیطی و آگاهی‌های متخلفانی که قصد نفوذ دارند، به خوبی احساس می‌شود.

برای نیل به پویایی بهره‌وری در اجرای مأموریت‌های محوله به کارکنان، فرماندهان می‌بایست با بروزرسانی بیش خود از تغییرات محیطی و همین‌طور تغییرات در جامعه‌ی هدف اقدام به آمایش، جابه‌جایی، تأسیس، ارتقاء و حذف ایستگاه‌ها کرده و با تقسیم وظایف بین یگان‌های مختلف در نیروهای مختلف کشور اسلامی خویش، ایستگاه‌های مصوب ولی غیرفعال را فعال بنمایند. در غیر این صورت، به علت عدم در نظر گرفتن تأثیر توسعه‌ی شهری و احداث بزرگراه‌ها و افزایش راه‌های مواصلاتی و مواردی از این دست، فرماندهان دچار کاهش توان اجرایی شده و کارکنان را دچار فرسودگی تجربی می‌نمایند.

۸- آموزش یکسان نیروها و صدور گواهینامه

علاوه بر عدم به کارگیری نیروهای غیرمتخصص مانند سربازان وظیفه، بکارگیری نیروهای آموزش دیده برای اجرای مأموریت‌های ایست و بازرسی که هم دارای ذکاوت و هم عزت نفس باشند، لزوم برگزاری دوره‌های آموزشی و صدور گواهینامه‌هایی برای این نیروها را توجیه می‌کند. به عبارت دیگر، به کارگیری تجارب

نیروهای پیشین می‌بایست در کنار آموزه‌های نوین علمی قرار گرفته و تدوین سرفصل‌ها و کتب جدید در دستور کار قرار بگیرد.

اتخاذ نگاه تخصصی به ایستگاه‌های ایست و بازرسی هنگامی بدرستی درک می‌شود که بدانیم کارکنان در حال اجرای ماموریت، تنها در موارد محدودی دقیقاً می‌دانند که در حال جستجوی چه فرد خاصی، چه خودرو بخصوصی و یا چه محموله‌ای هستند؛ نتیجه‌ی منطقی این امر درصد بالای احتمالات برای بروز اتفاقات می‌باشد. برای نمونه، این پرسش از فرماندهان کاملاً منطقی است که اگر در یک ایستگاه در غرب کشور، کارکنانی که به دنبال کشف قاچاقچیان کالا می‌باشند، ناگهان با تروریست‌های پژاک مواجه شوند، توان آن را دارند که با اتکاء به آموزش‌های کافی به مقابله برخیزند یا خیر؟

۹- بررسی ماهانه‌ی بازخورد ایستگاه‌های ایست و بازرسی در افکار عمومی گرچه مهم‌ترین دلیل وجود ایستگاه‌های ایست و بازرسی امنیت خود شهروندان می‌باشد، ولی به دلیل عدم آگاهی عامه‌ی مردم از دلایل منطقی وجود یک ایستگاه، کاملاً محتمل است که آنان هدر رفت وقت خود و عدم توانایی در کسب راحتی متوقعه خود را گسترش داده و افکار عمومی را در مقابل این مهم قرار دهند؛ از این رو واکاوی ابعاد روانی، اجتماعی و اقتصادی این امر خطیر می‌بایست توسط متخصصان مورد اهتمام قرار بگیرد و نتایج آن در دسترس فرماندهان قرار گرفته تا به تبیین تدبیر خویش پردازند؛ زیرا بدون انسجام و اعتماد، نمی‌توان به دوام و پایداری نظم و امنیت جامعه، خوشبین بود (لرنی، ۱۳۸۴: ۶۹).

ایستگاه‌های ایست و بازرسی بالذات مانعی در جهت آمد و شد روزمره شهروندان بوده و فردی که خود را در میانه‌ی چنین وضعیتی می‌بیند، حتی اگر مجرم نباشد، مواردی چند از ذهن خود عبور می‌دهد که می‌تواند باعث ایجاد دلهره و اضطراب شده و اگر ثبات روانی جمعیت خدشه‌دار شود، هر لحظه ممکن است دست به

اقداماتی مخرب بزند که کنترل آن خود مبحث پیچیده‌ی دیگریست. سنجش افکار عمومی برای اتخاذ کنش‌های پیشگیرانه امر پیچیده‌ای است که لزوم بهره‌بری از متخصصان جامعه‌شناسی سیاسی را مورد تاکید قرار می‌دهد.

۱۰- جهت‌دهی به افکار عمومی با توسل به رسانه‌ها

با کنار گذاشتن دیدگاه اشتباه غیرخودی بودن شهروندانی که مورد ایست و بازرسی قرار می‌گیرند، ما می‌بایست از نیروی فکری و همکاری خود آنها بهره برده و با توسل به آموزش‌هایی که در رسانه‌ها مطرح می‌شود، محیط فکری افکار عمومی را آماده ساخته و بهره‌وری را در اجرا افزایش دهیم.

چه در بازه‌ی زمانی بروز اختلال‌های اجتماعی و چه قبل و بعد از آن می‌بایست بین دو گزینه دست به انتخابی دشوار زد: جهت‌دهی به افکار عمومی و یا جهت‌گیری از افکار عمومی، که اولی رفتاری کنشگرانه و دومی رفتاری واکنشی دانسته می‌شود. از جمله راهکارهای مهم پیشنهادی، تغذیه نمودن افکار عمومی علی‌الخصوص شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌های جمعی با خوراک دست آورده‌های مهم این ایستگاه‌ها می‌باشد.

۱۱- تشکیل تیم حقوقی برای پشتیبانی مأموریت‌ها

پذیرش احتمال بروز اشتباهات انسانی در هنگامه‌ی اجرای مأموریت‌ها در سطح کشور امری منطقی بوده و ما را بر آن می‌دارد که با حمایت از نیروهای خویش، اطمینان خاطری را در اذهان‌شان ایجاد کرده و اهمیت وجودی تشکیل تیم حقوقی پشتیبان نیروهای اجرایی و حتی تیم حقوقی پشتیبان فرماندهی را یادآور شویم.

اگرچه پایوران نیروی انتظامی در باب شجاعت شهرتی پسندیده کسب کرده‌اند، ولی اطمینان فکری از وجود متخصصان حقوقی و قضایی این ثبات فکری را در آنها ایجاد می‌کند که می‌توانند در شرایط سخت تصمیمات سخت اتخاذ کنند و با نشان دادن رشادت افراد کژاندیش را اعمال قانون کنند.

نتیجه گیری

افزایش کارایی در عملکرد فرماندهی در هنگامه‌ی بحران‌های انتظامی که به گونه‌ای مخل نظم اجتماعی دانسته شده‌اند، در این نوشتار، در قالب ایجاد یک یگان بالادستی دیده شده است؛ که به سهولت می‌تواند نیروهای تحت فرماندهی خویش را در بین استان‌ها منتقل نموده و استقرار دهد تا در مواردی چون بروز بحران‌های انتظامی، وضعیت مهار و غیره را اعلام و با دقت عمل از تسری بحران جلوگیری کند. برای نیل به این امر، البته به بیان معایب موجود در ایستگاه‌ها و محاسن رویه نوین فرماندهی پرداخته، ولی این قدر اکتفا ننموده و به تفصیل راهکارهایی چند پیرامون اجرایی نمودن این بینش پرداخته‌ایم.

اگرچه اتخاذ تدابیر کلان در زمان بروز بحران‌های امنیتی و انتظامی می‌تواند از اهم نتایج این نوشتار برشمرده شود، ولی در اخص، نویسنده توان ایجاد آمایش‌های سرزمینی را در جهت جابجایی و ایجاد تغییرات اجرایی در زمینه‌ی برگزاری ایستگاه‌های ایست و بازرسی با اولویت طرح در شورای امنیت کشور بسیار حیاتی برشمرده و تأسیس یگان فرماندهی ایستگاه‌های ایست و بازرسی در ناجا را استنتاج می‌نماید.

پیشنهادها

پس از توسعه و تعمیق وحدت فرماندهی در ناجا برای اجرای ایستگاه‌های ایست و بازرسی در زمان بحران‌های انتظامی، داده‌های عملی متنوعی را می‌توان جمع‌آوری نمود و مورد پژوهش‌های متقن قرار داد. از جمله مهم‌ترین پیشنهادات این نوشتار به دیگر پژوهندگان می‌تواند سنجش معایب و محاسن برشمرده شده در بالا باشد که حاصل تجربیات عینی و مطالعات عملی بسیار می‌باشد. از دیگر نکاتی که می‌توان تحت عناوین مصوب، چه در دانشگاه‌ها و چه در معاونت‌ها به اجرا درآورد،

رویکردهای یازده گانه‌ی پیشنهادی این نوشتار می‌باشد؛ که هر کدام ذیل یک عنوان پژوهشی می‌تواند دارای جایگاهی منحصر به فرد باشد. برای نمونه، وجود خلاءهای قانونی و چگونگی رفع آن و تأثیر آن بر اجرای مأموریت‌ها می‌تواند تأثیر بسزایی بر آوردن نیازهای پژوهشی ناجا داشته باشد.

منابع:

- ۱ - جواهری زاده، ناصر. جزینی، علیرضا. سرداری، محمد امیر. (۱۳۸۷). ((رابطه بین ماموریت‌های ابلاغی فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ با مدیریت انتظامی کلانتری‌ها و پاسگاه‌های انتظامی استان لرستان)). فصلنامه مطالعات مدیریت انتظامی، سال سوم، شماره سوم، ۲۸۲-۳۰۰.
- ۲ - گل محمدی خامنه، علی. (۱۳۸۵). الگوی رفتاری کارکنان کلانتری، تهران، معاونت آموزش ناجا.
- ۳ - لرنی، منوچهر (۱۳۸۴) جامعه‌شناسی امنیت، تهران، نشر رامین .
- ۴ - هیکس، هربرت. گولت، سی ری (۱۳۶۸). تئوری‌های سازمان و مدیریت. ترجمه گوئل کهن، تهران، اطلاعات.

